

ازدواج مردان سالمند ۴ برابر زنان: عروس‌های جوان در خانه بخت پدر بزرگ‌ها

بخشی از فیلم ازدواج بسرعت در فضای مجازی پخش می‌شود. ازدواج مرد 80 ساله با دختر 19 ساله. یکی دو تا عکس هم هست. بینندگان نهج نهج می‌کنند و ابروها را با تعجب بالا می‌اندازند. دختر، جای نوه مرد است؛ مرد ثروتمند. این را حتی نگفته هم می‌شود فهمید. هیچ جور دیگری نمی‌شود 61 سال اختلاف سن عروس و داماد را توجیه کرد. عشق؟! بعید به نظر می‌رسد. دختر در عکس‌ها لبخند می‌زند و یک دستش را روی روسری سفید براق نگه داشته است. به خانه بختی می‌رود که به اعتقاد خیلی‌ها عاقبت خوشی ندارد اما بعضی‌ها هم جور دیگری فکر می‌کنند. اینکه احتمالاً مرد تا چند سال دیگر فوت می‌کند و دارایی‌اش می‌ماند برای زن جوان که تازه در ابتدای راه است. این، ماجرای تازه‌ای نیست. ازدواج دختران و زنان جوان با مردان سالخورده که بیشترشان ثروتمند هستند یا دست کم وضعیت مالی مناسبی دارند.

مرد، خنده از لبانش نمی‌افتد. تازه عقد کرده‌اند. می‌گوید: «این چند سال نفهمیدم زندگی‌ام چطور گذشت. حاج خانوم خیلی مریض بود. دو سال آخر که رسماً زمینگیر شده بود. خدا رحمتش کند. زن خوبی بود. بچه‌های خوبی هم تربیت کرد اما چه می‌شود کرد. رسم روزگار است دیگر. «82 ساله است. صورت گرد با موهای ریخته. شادابی و چالاکی‌اش، سنش را کمتر نشان می‌دهد. عروس، 30 ساله است. قبلاً یک بار ازدواج کرده. شوهرش را در تصادف از دست داده است. بچه ندارد. پرستار حاج خانم بوده. دیپلمه است. توی درمانگاه، بهیار بوده. تزریقات و پانسمان.» برای تزریقات حاج خانم به منزلشان می‌رفتم. خانم خیلی خوبی بودند. روزی که فوت کردند خیلی گریه کردم. من آنجا نبودم. حاج آقا تنها بودند. «زن کم حرف است. همین چند جمله را هم انگار به زور می‌گوید. حاج آقا با محبت نگاهش می‌کند. زن جوان حالا از خانه اجاره‌ای پدرش در قلعه حسن خان، به خانه ویلایی 800 متری حاج آقا در شمال شهر تهران نقل مکان کرده. خانه‌ای که تا 3 ماه پیش به عنوان پرستار در آن رفت و آمد می‌کرد. زن، بچه دوست دارد. حاج آقا خودش 4 تا بچه دارد که همه‌شان از عروس تازه، بزرگتر هستند. نوه هم دارد. عروس فعلاً به این چیزها فکر نمی‌کند. آینده را کسی نمی‌داند.

همیشه هم این‌طور نیست که دختر یا زن جوان به خاطر فرار از شرایط بد و مشکلات مالی، تن به ازدواج با مرد مسن بدهد. لیلا عاشق شده و با عشق ازدواج کرده. اسم واقعی‌اش لیلا نیست. 28 ساله. زیبا. لیسانسه. یک سالی می‌شود که ازدواج کرده. شوهرش 57 ساله است. مدیر یک شرکت بازرگانی. وضع مالی، عالی.» شرایط خانواده خودم بد نبود. متوسط رو به بالا. پدر و مادرم هردو کارمند بودند. البته پدرم خیلی سال پیش فوت کرده. خودم از زمان دانشگاه کار می‌کردم و مستقل بودم. با همسر در یک سفر خارجی آشنا شدم، ترکیه. همسرش چند سالی بود که جدا شده بود و دو تا پسرش هم خارج از کشور زندگی می‌کردند. به نظرم خیلی مهربان و با ملاحظه بود. اوایل اصلاً احساس عاشقانه‌ای به او نداشتم. خودش هم بیشتر حس پدرا نه‌ای به من داشت و فکر می‌کردم چون دختر ندارد و پسرهایش هم اینجا نیستند چنین حسی دارد و طبیعی است. بعد از سفر خیلی حال و احوالم را می‌پرسید. حتی کمکم کرد کاری را که همیشه دوست داشتم، شروع کنم و به لحاظ شغلی، مستقل شوم. خیلی هوایم را داشت. همین رفتارها و مهربانی‌هایش بود که باعث شد به او علاقه‌مند شوم. پیشنهاد ازدواج را هم خودم دادم. اولش مخالفت می‌کرد. به خاطر اختلاف سنی و شرایط مان. مادرم هم کاملاً مخالف بود. بعد از مدتی همسر هم اعتراف کرد که از همان ابتدا به من علاقه‌مند شده اما ابراز علاقه و ازدواج با من به نظرش کاملاً غیرمنطقی بوده. «لیلا از زندگی‌اش راضی است. شوهرش را دوست دارد. می‌گوید: «کیفیت زندگی به نظرم مهم‌تر است. ممکن است به نظر دیگران شرایط زندگی من کمی عجیب باشد اما اهمیتی ندارد. مهم این است که خودم خوشحال هستم.»

پدر می‌خواهید یا شوهر؟!

پول، عشق، نیاز عاطفی، ناپختگی یا هر دلیل دیگری که داشته باشد، باز هم دلیل نمی‌شود با دیدن مردی مسن که همسری بسیار جوان‌تر از خود دارد، با تعجب نگاهش نکنیم.

چه دلایلی سبب می‌شود دختری جوان با مردی مسن ازدواج کند؟ مردی که می‌تواند جای پدر یا گاهی پدر بزرگ او باشد. این، سؤال است که در مواجهه با چنین زوج‌هایی به ذهن می‌رسد.

سمیرا شیخی، روانشناس و مشاور خانواده به نکات جالب توجهی در این رابطه اشاره می‌کند: «البته به لحاظ روانشناسی تأیید شده نیست که بگوییم افراد با چه کسی ازدواج کنند یا آنها را از ازدواج با شخصی منع کنیم. این مسأله کاملاً به دو طرف بستگی دارد. در واقع به تعداد آدم‌ها، روانشناسی وجود دارد. ما در مشاوره قبل از ازدواج، به پختگی دو طرف تأکید داریم و سن عقلی را در نظر می‌گیریم. به عنوان مثال ممکن است آقایی 40 ساله باشد اما سن عقلی او در حد 30 سال. در این صورت اگر بخواهد با دختری 20 ساله ازدواج کند، از نظر ما بلامانع است چون از لحاظ ادراک و هوش هیجانی همسطح هستند. البته نتیجه‌گیری در مورد سن عقلی، منوط به برگزاری جلسات با مشاور خانواده و انجام تست‌های مربوط است.»

شیخی ادامه می‌دهد: «اینکه چرا دختران و زنان جوان با مردانی بسیار مسن‌تر از خود ازدواج می‌کنند، دلایل مختلفی دارد. بسیاری از

دخترها به دلیل اینکه پدر خود را زود از دست داده‌اند یا رابطه عاطفی محکمی با پدرشان نداشته‌اند، از حمایت‌های لازم برای رشد، بهره کافی نبرده‌اند. بنابراین به دنبال یافتن همسری هستند که نقش حمایتگر داشته باشد که این ویژگی معمولاً در مردانی که سن‌شان خیلی از آنها بیشتر است وجود دارد. دلیل دیگر، کاملاً مالی و انتفاعی است. مردان مسنی که به ازدواج با دختران جوان اقدام می‌کنند، معمولاً وضع مالی خوبی دارند و از اینکه پول‌شان را برای رفاه همسر جوان‌شان خرج کنند، هیچ ابایی ندارند. برخی زنان جوان هم این حمایت مالی را به معیارهای دیگر ترجیح می‌دهند. برخی دیگر از دختران که معمولاً کم سن و بی‌تجربه‌اند، دنبال عشق هستند و دلشان می‌خواهد آن را به هر قیمتی به دست آورند. مردان مسن که باتجربه‌اند می‌توانند حمایت‌های روانی و عاطفی از این دختران جوان داشته باشند و به همین دلیل مورد توجه آنها قرار می‌گیرند.»

این‌ها مهم‌ترین دلایل دختران و زنان جوان برای ازدواج با مردان مسن است. دلایل مردانه‌ای هم برای این کار وجود دارد: «بعضی از مردها با بالا رفتن سن‌شان اعتماد به نفس خود را از دست می‌دهند و در تلاشند آن را با برگزیدن همسری جوان جبران کنند. در این راه هم از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند و هزینه زیادی بابت این انتخاب‌شان پرداخت می‌کنند. در واقع یک جورهایی می‌شود گفت باج می‌دهند. مردها خصوصاً بعد از 60 سالگی دوست دارند با کسی زندگی کنند که نشاط و سرزندگی را به خانه‌شان بیاورد چون همسر خودشان معمولاً همسن و سال‌شان است و درگیر کهولت سن و بیماری‌های مختلف شده است. در ضمن مردان در این رده سنی خواستار همسری هستند که از آنها مراقبت کند. به همین دلیل بعضی مردها در این شرایط به ازدواج دوم روی می‌آورند. همچنین مردها در رده سنی 40 تا 50 سال دارای جذابیت هستند و مورد توجه دختران جوان قرار می‌گیرند. همین مسأله گاهی آنها را به ازدواج با دختری بسیار کم سن و سال‌تر از خود سوق می‌دهد. به علاوه بسیاری از مردها در سن بالا ترجیح می‌دهند با کسی ازدواج کنند که کم تجربه باشد و به اصطلاح، پرونده عاطفی‌اش سبک باشد. در واقع ذهن پاک تری داشته باشد. همین عامل هم سبب می‌شود مردانی که از همسرانشان جدا شده‌اند، ترجیح بدهند با دختران مجرد ازدواج کنند تا به خیال خودشان دردسر کمتری در ایجاد ارتباط داشته باشند و زندگی‌شان آرام‌تر باشد.»

این روانشناس ادامه می‌دهد: «به هر شکل، ممکن است ازدواجی هم شکل بگیرد که در ابتدا بسیار با عشق هم باشد اما به مرور اختلاف‌ها پیش می‌آیند. مرد که سنی از او گذشته، بیشتر ترجیح می‌دهد استراحت کند اما زن در دوران جوانی و سرزندگی است و اختلافات زن و شوهر از همین جا شروع می‌شود. دلیلش هم این است که آنها قبل از ازدواج از تجربه دیگران استفاده نکرده‌اند و به صورت آزمون و خطایی عمل کرده‌اند. موارد زیادی هم بوده که این زوجها بعد از برخوردن به مشکلات فراوان، برای مشاوره مراجعه کرده‌اند که معمولاً مشکل‌شان در مرحله ای است که کار زیادی نمی‌شود کرد. در این موارد معمولاً زن به نتیجه قطعی رسیده که طلاق بگیرد اما به دلایل مختلف از جمله عدم حمایت مالی، از این مسأله ترس دارد. به هر شکل توصیه ما این است که افراد در ازدواج فاصله مناسب سنی که بین 2 تا 5 سال است را رعایت کنند. مردانی که در سن بالا قصد ازدواج دارند، بهتر است زنانی در رده سنی متناسب با خودشان را برای همسری انتخاب کنند. در کشورهای پیشرفته هم معمولاً مردان در سنین بالا با زنانی همسن و سال خودشان ازدواج می‌کنند حتی اگر وضع مالی مناسبی داشته باشند. موارد استثنا هم وجود دارد که بیشتر در مورد سلبریتی‌ها دیده می‌شود.»

پدران پیر، نوزادان بی‌آینده

گرچه ازدواج زنان جوان با مردان سالخورده معمولاً امری غیرعادی در جامعه محسوب می‌شود اما در بعضی مناطق کشور از جمله سیستان و بلوچستان، این شکل از ازدواج نه تنها غیرعادی نیست، بلکه حتی در شرایطی که مرد از تمکن مالی هم برخوردار نیست، صورت می‌گیرد. از آن جمله پیرمحمد 78 ساله است ساکن یکی از روستاهای سیستان و بلوچستان. او دو سال پیش بعد از مرگ همسرش، با زنی 33 ساله ازدواج کرده و از او صاحب فرزند شده است. با خنده می‌گوید: «دختر 18 ساله هم به من می‌دادند اما خودم خواستم با یک عاقله زن ازدواج کنم.» «ریاب، حداقل 10 سال بیشتر از سنش نشان می‌دهد. کنار چشم‌ها، چین‌های عمیق به چشم می‌آیند. با اخم به شوهرش نگاه می‌کند. می‌گوید: «روزی ده بار منت سر من می‌گذارد. پولش نرسید دختره را بگیرد. ندادند که نگرفت.» «می‌گویند اینجا رایج است که مردی سن و سال دار، دختری جوان را به زنی بگیرد. دخترها زود شوهر می‌کنند. دختری که سنش بگذرد، باید زن مردای پیر بشود. از بی‌شوهری بهتر است! خودشان این جور می‌گویند. مردها بچه‌های بزرگ و نوه دارند اما بیشترشان می‌خواهند از زن جدید هم صاحب اولاد شوند. به همین دلیل هم هست که تعداد کودکانی که در سن کم پدر خود را از دست می‌دهند در این مناطق کم نیست. بعضی هایشان اصلاً خاطره یا تصویری از پدر ندارند.»

آمار رسمی ثبت احوال حکایت از آن دارد که در چند استان همچون سیستان و بلوچستان، بخش‌هایی از خراسان رضوی و خوزستان بیش از سایر مناطق کشور این شکل از ازدواج رایج است که در بسیاری از موارد به فرزندآوری هم منجر می‌شود. فرزندان که آینده‌شان احتمالاً با وجود میراث خواران فراوان پدر، به لحاظ مالی تأمین نیست.

بر اساس آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور، سال گذشته میزان زاد و ولد سالمندان بالای 60 سال، بین 800 تا 900 نوزاد و افراد بالای 70 سال نیز حدود 100 نوزاد بوده است.

کسی از آینده خبر ندارد. بعضی وقت‌ها اما می‌شود با توجه به شرایط موجود حدس زد در آینده ممکن است چه اتفاقاتی روی دهد. استفاده از تجربه دیگران و بهره‌گیری از مشاور و مددکار، کمک بزرگی در شرایط غیرعادی است.

فرید براتی سده، رئیس شورای ملی سالمندان سازمان بهزیستی کشور در این باره می‌گوید: «ازدواج مردان سالمند با زنان و دختران جوان یک مسأله فرهنگی است که طبقه متوسط به بالای جامعه آن را نمی‌پذیرد و در مناطق محروم، رایج‌تر است. ازدواج مردان سالمند با زنان

جوان بخصوص در مناطق محروم و به دنبال آن رقم فرزندآوری آنها تأمل برانگیز است، زیرا به هر حال نرخ مرگ و میر در میان افراد بالای 60 سال بسیار بیشتر از جوانان است و هر لحظه امکان فوت آنها وجود دارد به همین دلیل در صورت ادامه این روند شاهد افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار و ایتم در کشور خواهیم بود.»

او ادامه می‌دهد: «با وجود آنکه ازدواج سالمندی را تشویق می‌کنیم، اما زمانی آن را مثبت و سازنده ارزیابی می‌کنیم که در آن مرد سالمند با زن سالمند ازدواج کند و به هیچ وجه ازدواج مردان مسن با زنان و دختران جوان را مصلحت ندانسته و همواره نسبت به آثار مخرب آن هشدار می‌دهیم. علاوه بر آن در حال حاضر ازدواج مردان سالمند در کشور بیش از 4 برابر ازدواج زنان سالمند است و این نشانه‌دهنده آن است که مردان سالمند راحت‌تر از زنان سالمند ازدواج می‌کنند و تعداد زنانی که در دوران سالمندی از تنهایی رنج می‌برند، بیشتر از مردان است.»

از این قصه، فیلم‌ها و سریال‌ها ساخته‌اند. قصه عشق پیری و ازدواج‌هایی که معمولاً سرانجام خوشی ندارند. آخر همان قصه‌ها هم همیشه یک پیام اخلاقی دارد: کیوتر با کیوتر، باز با باز. با این حال خیلی‌ها ترجیح می‌دهند خودشان امتحان کنند...

منبع: [مریم طالبی - ایران](#)